



پس از بازی، شکست را گردن اشتباهات بچگانه باتجربه‌ترین بازیکنانش می‌اندازد و ادعا می‌کند که مشکل تیم ملی بدنی نیست، در واقع صورت مسئله را پاک می‌کند. تیمی که در اجرای یک پرس ساده و بازسازی از عقب زمین ناتوان است و در دقایق پایانی ساختار دفاعی‌اش به سادگی فرو می‌ریزد، قطعاً با مشکلات عمیق فیزیکی و تاکتیکی دست‌وپنجه‌نرم می‌کند.

پایان یک سلطه

تیم ملی ایران در ۴۸‌بازی تحت هدایت قلعهنویی، هشت بار به مصاف ازبکستان رفته‌است. تقابلی که روزگاری با هفت پیروزی متوالی برای ایران همراه بود، حالا به سدی غیرقابل عبور تبدیل شده‌است. ازبک‌ها نه تنها ترس‌شان از نام ایران برخسته، بلکه حالا در قامت یک مدعی تمام‌عیار، روش بردن و مسلط بازی کردن مقابل ما را به خوبی یاد گرفته‌اند. مسابقه با روسیه در پیش‌است، اما مشکل فوتبال ملی ایران با تغییر نام حریفان حل نمی‌شود. تا زمانی که شهامت کنار گذاشتن نام‌های بزرگ و اعتماد واقعی به نسل جدید در تفکرات کادرفنی جای‌نگیرد، رویای بازگشت به‌قله فوتبال آسیا سرابی بیش نخواهد بود. غروب فرغانه، هشدار روشنی بود؛ فوتبال منتظر پادشاهان پیر و خسته‌نمی‌ماند.

واحسان حاج‌صفی ۳۶ساله، همچنان ستون‌های تیمی هستند که قرار است برای آینده ساخته شود. حتی مهره‌هایی که قرار است نیروی جوانی تیم باشند (مانند سعید عز‌ت‌اللهی، امید نورافکن و دنیس اکرت) در مرز ۳۰سالگی قرار دارند و تنها بازیکن زیر ۲۳سال تیم، امیرحسین محمودی ۲۰ساله‌بود. این جوان‌سازی حیاتی، نتیجه‌ای جز در جازدن ندارد. نمی‌توان با تغییرات قطره‌چکانی و حفظ بازیکنانی که از نظر فیزیکی توانایی رقابت در بالاترین سطح را از دست داده‌اند، به جنگ تیم‌های پویای قاره رفت. وقتی سرمربی تیم ملی

تیم ملی ایران در ۴۸‌بازی تحت هدایت قلعهنویی، هشت بار به مصاف ازبکستان رفته‌است. تقابلی که روزگاری با هفت پیروزی متوالی برای ایران همراه بود، حالا به سدی غیرقابل عبور تبدیل شده‌است. ازبک‌ها نه تنها ترس‌شان از نام ایران برخسته، بلکه حالا در قامت یک مدعی تمام‌عیار، روش بردن و مسلط بازی کردن مقابل ما را به خوبی یاد گرفته‌اند

شلیک کرد، نفوذ محمدجانوناف سمت‌چپ و پاس زمینی او که از مقابل چشم‌ان تماشاگر مدافعان م‌عبور کر، به نورچاقف رسید تا با یک ششوت پر قدرت، حساب کار سه بر یک شود.

کالبدشکافی یک فاجعه؛ جوان‌گرایی واقعی برابرنمایش‌های رسانه‌ای
بزرگ‌ترین شکست ایران در این مسابقه، نه‌روی تابلونتیاج، که در فهرست‌ترکیب دو تیم رقم خورد. تفاوت میان تفکر امیر قلعهنوویی و فابیو کاناوارو در مواجهه با مفهوم تغییر نسل، دلیل اصلی این ناکامی است. کاناوارو پس از حضور در جام جهانی، شجاعانه نام سستارهای نامداری چون اوستون اورونوف، جلال‌الدین ماشارویف و ایگور سرگیف را خط‌زد تا میانگین سنی گرگ‌های سفید را به عدد خیره‌کننده ۲۵٫۶ سال (و با تعویض‌های ۲۵٫۴سال) برساند. او در برابر ایران از عجزایکن زیر ۲۳سال استفاده کرد که اوج آن حضور ثابت بهروز کریموف ۱۹ساله از تیم لوگانو سوئیس بود. در نقطه مقابل، کادرفنی ایران با نمایشی از تغییرات، میانگین سنی تیم را از ۳۱٫۵ (در بازی با مصر در جام جهانی) به ۲۹٫۳ سال رساند. اما این کاهش سن چگونه به دست آمد؟ با استفاده از هفت بازیکن ۳۰ و بالای ۳۰سال در ترکیب! شجاع خلیل‌زاده ۳۷ساله، در کنار رامین رضاییان

قلعه‌نویی و تیمش باز هم از پس ازبکستان برنیامدند

همان همیشگی

برده‌دوم؛ جرقه امید و خاموشی زودهنگام یک رکورددار

با آغاز نیمه دوم، ورود بازیکنانی چون رامین رضاییان و سردار آزمون، شوک موقتی به تیم وارد کرد. گل تساوی در دقیقه ۵۴وی ارسال رضاییان و اشتباه جهانگیر اوروزوف (گل به خودی) به ثمر رسید. اما این شادی، دوامی کمتر از یک دقیقه داشت. دقیقه ۵۵، صحنه تقابل جسارت جوانی و اشتباهات سریالی باتجربه‌ها بود. ارسال چیپ خامرویکوف، با ضربه سر بهروز کریموف، مدافع راست ۱۹ساله و پیش‌تاخته ازبک‌ها همراه شد. در ریباند، علیرضا بیرانوند بسا خروجی بی‌محابا و اشتباهی محاسباتی، به جای دفع توپ، با سر مهاجم حریف برخورد کرد و نقطه پنالتی نشان داده شد. علیرضا بیرانوند که نامش با مهر پنالتی‌های تاریخی گره خورده، در فرغانه یک رکورد منفی ۴۸ساله را به نام خودسند زد. این سومین پنالتی‌ای بود که بیرانوند در تاریخ تیم ملی مرتکب می‌شد (پس از کامبوج و سوریه)، رکوردی که او را در کنار نصرالله عبداللهی در جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین قرار داد. شومورودوف در خلاف جهت شیرجه بیرانوند، گل دوم را به ثمر رساند تا شیرازه تیمی که به تازگی به بازی برگشته بود، کاملاً از هم بپاشد.

برده سوم؛ تیر خلاص در اوج از هم گسیختگی

هر چه به پایان مسابقه نزدیک‌تر می‌شدیم، بی‌برنامگی تیم ملی نمایان‌تر می‌شد. تعویض‌ها نتوانستند جریان بازی را به سودشاگردان قلعهنویی تغییر دهند. ارسال‌های بی‌هدف و تکیه بر اتفاقات، در برابر ساختار منظم تیمی که فابیو کاناوارو ساخته بود، کارگر نیفتاد. در دقیقه ۹۰+، در حالی که تیم ملی با آرائیشی به‌هم‌ریخته و احساسی برای زن گل مساوی جلو کشیده بود، یک ضدمحله حساب‌شده، تیر خلاص را به پیکری جان تیم ایران

در نیمه نخست، ایران مقهور سرعت و انگیزه بازیکنان جوان ازبکستان بود. حتی زمانی که فرصت‌های نصفه ونیمه‌ای مانند ضربه سر مهدی طارمی و ربیاند عجیب او از عرض دروازه خلق می‌شد، فقدان طراوت در حملات تیم ملی کاملاً مشهود بود

آر یا طاری

سوت کرل لوئیکوف در استادوم فرغانه ازبکستان، تنها پایان یک مسابقه دوستانه نبود؛ بلکه ناقوس بیداری برای فوتبالی بود که سال‌هاست در خواب افتخارات گذشته دست و پا می‌زند. تیم ملی ایران در نخستین آوردگاه خود پس از جام جهانی ۲۰۲۶، در حالی با نتیجه تحقیرآمیز سه بر یک مقابل ازبکستان زانو زد که کالبدشکافی این شکست، حقایق تلخ‌تری از خودنتیجه را عیان می‌کند. مساوی گرفتن از تیمی که روزگاری حریفی تمرینی برای بوزهای ایرانی به‌شمار می‌رفت، حالا به یک آرزوی دست‌نیافتنی تبدیل شده‌است؛ تقابل پیاپی بدون پیروزی و ثبت دومین شکست متوالی، نشان می‌دهد که جابه‌جایی قدرت در جغرافیای فوتبال آسیای مرکزی مدت‌هاست که آغاز شده‌است. این دیدار قرار بود نقطه عطفی برای پوست‌اندازی تیم ملی باشد؛ شروعی تازه با وعده جوان‌گرایی. اما آنچه در مستطیل سبزر فرغانه رقم خورد، نمایش یک جوان‌سازی حیابی بود در برابر تیمی که با شجاعت فابیو کاناوارو، جسورانه به آینده سلام کرده‌است.

برده اول؛ اشتباهات مهلک در روزهای بلا تکلیفی و غرور

دقیقه ۱۰ مسابقه، چکیدهای از وضعیت کنونی فوتبال ما بود. تلاش برای اجرای یک بازسازی (Build-up) مدرن از خط دفاعی، بدون داشتن ابزار و تمرکز لازم، به یک کمدی تلخ شبیه شد. سامان فلاح توپ را به احسان حاج‌صفی سپرد؛ کاپیتانی که در صدد چهل و نهمین بازی ملی‌اش و در روزی که می‌رفت تا رکورد تاریخی جواد نکونام را بشکند، یکی از فاجعه‌بارترین اشتباهات دوران حرفه‌ای خود را مرتکب شد. پاس رو به عقب او با پای غیر تخصصی، تحت فشار پرس ازبک‌ها، مستقیماً به‌الدور شومورودوف رسید تا مهاجم فرصت‌طلب میزبان، خیلی زود دروازه ایران را باز کند. این گل تنها یک اتفاق نبود؛ نمادی از سنگینی ساق‌های بازیکنانی بود که به‌نظر می‌رسد دوران طلایی‌شان به‌سر آمده اما همچنان به لطف محافظه‌کاری کادرفنی، بار تیم ملی را به دوش می‌کشند. در نیمه نخست، ایران مقهور سرعت و انگیزه بازیکنان جوان ازبکستان بود. حتی زمانی که فرصت‌های نصفه ونیمه‌ای مانند ضربه سر مهدی طارمی و ربیاند عجیب او از عرض دروازه خلق می‌شد، فقدان طراوت در حملات تیم ملی کاملاً مشهود بود.

ورزش بانوان

وقتی خانم‌های ایرانی در ناگویا طوفان به راه انداختند

روز دختران

نگار رشیدی

آب‌های ناگویا در سپیده‌دم روز پنجشنبه، شاهد تپش قلب‌هایی بود که برای تاریخ‌سازی می‌تپیدند. باد خنک پاییزی روی موج‌های کوتاه دریاچه می‌رقصید، اما در دل دختران کاروان ایران، آتشی روشن بود که سرمای هیچ ترسی نمی‌توانست آن را خاموش کند. پنج‌شنبه، روزی نبود که فقط در تقویم‌های ورزشی ثبت شود؛ پنج‌شنبه بر گهای از تاریخ بود که بر عرق، اشک و اراده‌ی پولادین زنانی نوشته شد که مرزهای توانستن را فرسنگ‌ها جابه‌جا کردند. در روز پنجم بازی‌های آسیایی، کاروان ورزشی ایران به تماشای شاهکاری نشست که قهرمانانش، با هر پارویی که به سینه آب می‌کوبیدند و با هر مشت‌ی که در رسمیستون‌لر رسیده‌بود. تیم ایران به‌درستی استدلال کرد که ابطال نتیجه پس از پایان رویداد و تنه‌به‌دنبال اعتراضی یک تیم رقیب صورت گرفته‌است؛ آن هم خارج از مهلت قانونی و در شرایطی که طیق مقررات فدراسیون جهانی، بررسی این موضوعات تنها تا ۳۰ دقیقه پس از پایان هر رویداد امکان‌پذیر است. استدلال تیم ایران این است که روز شکار با حسن نیت و بر اساس تایید رسمی بازرسان وارد پیست شده‌و هر گونه خطایی در تشخیص مجاز بودن کفش، متوجه فرایند بازرسی کمیته برگزاری است و نه شخصی روز شکار. این دفاعیات و نامه‌نگاری‌های کاغذ کاملاً منطقی و بر اساس قوانین حقوقی مسابقات (ماده 5.2 TRS)، است، اما سوال اصلی و بی‌پاسخ فکر عمومی این است؛ چرا اصلاً باید کار به اینجا بکشد؟ چرا کادرفنی ایران نباید آن قدر روی قوانین به‌روز و نوع کفش‌ها اشراف داشته باشد که بهانه‌ای به این بزرگی دست تیم‌های رقیب و کمیته برگزاری ندهد؟ تیم‌های رقیب همواره در پیش رو بر دارند و کوچک‌ترین روزنه‌ای، رقبای قدرتمند خود را از پیش رو بردارند و متأسفانه ما این روزنه را بدستان خودمان به دلیل عدم تسلط کامل به قوانین تجهیزات زاده‌امروزی قرار دادیم.

فاطمه محیطی زاده‌امروزی کاغذ دیسکالیفه شد، اما در واقع این سیستم پشتیبانی و فنی ورزش ماست که بارها دیسکالیفه شده و هنوز از اشتباهات خود دور نمی‌گیرد. دختری که با دست خالی و کمترین امکانات، خود را به جمع برترین‌های آسیا رساند و نشان داد پتانسیل کسب مدال در فرساینده‌ترین ماده دوومیدانی را دارد، حالا باید با قلبی شکسته، بغضی در گلو و دستانی خالی به خانه برگردد. نامه‌نگاری‌های پس از فاجعه، شاید در بهترین حالت منجر به یک عذرخواهی یا توجیه‌ای بین‌نامه‌ای شود، اما مدال از دست رفته، زحمات بر باد رفته و غرور جریحهدار شده‌این قهرمان را هرگز بازمی‌گرداند.



اینجدا قیاق‌ها همان نقطه‌ای است که باید قیقه مسئولان، کادرفنی و مدیران اعزامی را گرفت. چه فاجعه‌ای بالاتر از این؟ آیا این روز شکار در میدان به این بزرگی مری نداشته‌است؟ سرپرست تیم، مدیران فدراسیون و کسانی که با عنوان کادرفنی راهی ژاپن شده‌اند، دقیقاً چه وظیفه‌ای بر عهده دارند؟ مگر نباید یک بررسی استاندارد دهای اولیه تجهیزات، از جمله خلعت کفی کفش مسابقه، پیش یافت‌انده‌ترین و بدیهی‌ترین وظیفه‌ی مری و سرپرست حرفه‌ای است؟ در دنیا ی ورزش حرفه‌ای امروز، به‌ویژه در عصر تکنولوژی‌های جدید ورزشی، میلی‌مترها سرنوشت‌ساز هستند. قوانین مربوط به تجهیزات، به‌خصوص در دوومیدانی و در بحث کفش‌های تکنولوژیک، به شدت سخت‌گیرانه، دقیق و شفاف است. چگونه ممکن است یک ملی‌پوش در رویدادی به این اهمیت، با کفشی به میدان برود که استاندارد دهای لازم برای یک ماده خاص مانند پرش طول را ندارد یا حداقل با ابهام و حساسیت داوران مواجه است؟ این درنگ‌ها و غیر قابل‌هضم است که سستار در دخشان مانده به خاطر ضعف فیزیکی، نه به خاطر کم آوردن نفس در برابر رقبای قدرتمندتر، بلکه صرفاً به دلیل یک گاف بزرگ مدیریتی و فنی؛ از رقابت‌ها حذف می‌شود. قهرمان ما پیش از آنکه حریفان را مقصر ناکامی خود بداند، باید نگران بی‌برنامگی و غفلت خودی‌ها باشد.

البته فدراسیون دوومیدانی پس از وقوع این فاجعه بلافاصله واکنش نشان داد و دست به قلم شد. در نامه اعتراضی ایران که به هیئت داوران استیناف ارسال شده، آمده‌است که کفش ورزشکار (Nike Maxfly 2 مدل FD8395) پیش از آغاز رقابت‌ها در اتاق فراخوان و بازرسی تجهیزات پیش از مسابقه ارائه شده‌و به تایید رسمی مسئولان رسیده‌بود. تیم ایران به‌درستی استدلال کرد که ابطال نتیجه پس از پایان رویداد و تنه‌به‌دنبال اعتراضی یک تیم رقیب صورت گرفته‌است؛ آن هم خارج از مهلت قانونی و در شرایطی که طبق مقررات فدراسیون جهانی، بررسی این موضوعات تنها تا ۳۰ دقیقه پس از پایان هر رویداد امکان‌پذیر است. استدلال تیم ایران این است که روز شکار با حسن نیت و بر اساس تایید رسمی بازرسان وارد پیست شده‌و هر گونه خطایی در تشخیص مجاز بودن کفش، متوجه فرایند بازرسی کمیته برگزاری است و نه شخصی روز شکار. این دفاعیات و نامه‌نگاری‌های کاغذ کاملاً منطقی و بر اساس قوانین حقوقی مسابقات (ماده 5.2 TRS)، است، اما سوال اصلی و بی‌پاسخ فکر عمومی این است؛ چرا اصلاً باید کار به اینجا بکشد؟ چرا کادرفنی ایران نباید آن قدر روی قوانین به‌روز و نوع کفش‌ها اشراف داشته باشد که بهانه‌ای به این بزرگی دست تیم‌های رقیب و کمیته برگزاری ندهد؟ تیم‌های رقیب همواره در پیش رو بر دارند و کوچک‌ترین روزنه‌ای، رقبای قدرتمند خود را از پیش رو بردارند و متأسفانه ما این روزنه را بدستان خودمان به دلیل عدم تسلط کامل به قوانین تجهیزات زاده‌امروزی قرار دادیم.

فاطمه محیطی زاده‌امروزی کاغذ دیسکالیفه شد، اما در واقع این سیستم پشتیبانی و فنی ورزش ماست که بارها دیسکالیفه شده و هنوز از اشتباهات خود دور نمی‌گیرد. دختری که با دست خالی و کمترین امکانات، خود را به جمع برترین‌های آسیا رساند و نشان داد پتانسیل کسب مدال در فرساینده‌ترین ماده دوومیدانی را دارد، حالا باید با قلبی شکسته، بغضی در گلو و دستانی خالی به خانه برگردد. نامه‌نگاری‌های پس از فاجعه، شاید در بهترین حالت منجر به یک عذرخواهی یا توجیه‌ای بین‌نامه‌ای شود، اما مدال از دست رفته، زحمات بر باد رفته و غرور جریحهدار شده‌این قهرمان را هرگز بازمی‌گرداند.

